

موانع تحقق نگرش برنامه‌ریزی فضایی در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی

فریده نجفی^۱، فرهاد عزیزپور^{*۲}

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶)

Barriers to Incorporating the Spatial Planning Opinion in the Fifth Economic, Cultural and Social Development Program of Iran**Farideh Najafi¹, Farhad Azizpour^{*2}**

1. M.A. in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University

2. Associate Professor, Department of Geography, Kharazmi University

(Received: 22/Jun/2019)

Accepted: 06/Dec/2019)

Abstract

Today, the spatial view of development at the national, regional, and local levels is so important that most countries pay special attention to it in their policy-making and planning systems. The main purpose of this study is to analyze the content of the fifth five-year development plan of the Islamic Republic of Iran from the perspective of spatial planning. The research method is descriptive-analytical. The statistical population of this research is the document of the Fifth Development Plan of the Islamic Republic of Iran in 2011-2016. In addition to various previous researches and valid documents, the opinions of professors were used to compile the criteria and indicators of the present study. In order to achieve the goal, the required data and information were collected by the documentary method. Content analysis and Shannon entropy method were used to analyze the data. Findings showed that the three categories of centralism, poor participation and comparative advantage are obstacles to the realization of the spatial planning attitude in the Fifth Development Plan document. Among these factors, the emphasis on comparative advantage is the most important factor that has caused the spatial attitude not to be considered in the development of the country's policy-making and planning system. This result emphasizes that: 1- Areas with potential for development were prioritized, and 2- Due to the dominance of the public sector in the formulation and implementation of plans and programs and special attention to areas with potential, people's participation is low.

Keywords: Spatial Planning, the Fifth Five-Year Development Plan of the IR of Iran, Content Analysis.

چکیده

امروزه نگاه فضایی به توسعه در سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی اهمیت زیادی دارد که غالب کشورها در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی خود به آن توجه ویژه‌ای دارند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل محتوای مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر برنامه‌ریزی فضایی است و روش آن توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری این پژوهش سند برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰-۱۳۹۴ است. برای تدوین معیارها و شاخص‌های پژوهش علاوه بر تحقیقات مختلف پیشین و اسناد معتبر از نظر استادان نیز استفاده و به منظور رسیدن به هدف، داده‌ها و اطلاعات موردنیاز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل محتوا و روش آنتروپی شانون بهره گرفته شد. یافته‌های پژوهش این نتیجه را حاصل نموده است که: سه مقوله تمرکزگرایی، ضعف مشارکت و مزیت نسبی، موانع تحقق نگرش برنامه‌ریزی فضایی در سند برنامه توسعه پنجم هستند. در بین این عوامل، تأکید بر مزیت نسبی، مهم‌ترین عاملی است که سبب شده تا نگرش فضایی چندان مورد توجه نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور در تدوین برنامه توسعه قرار نگیرد. این نتیجه بر این نکته تأکید دارد که:

- ۱- مناطقی که دارای پتانسیل برای توسعه هستند در اولویت برنامه بود؛
- ۲- با توجه به تسلط بخش‌های دولتی بر تدوین و اجرای طرح‌ها و برنامه و توجه ویژه به مناطق دارای پتانسیل مشارکت مردم در حد پایین قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی فضایی، برنامه پنجم توسعه، تحلیل محتوا.

*Corresponding Author: Farhad Azizpour

E-mail: azizpour@khu.ac.ir

مقدمه

هر کشور در مسیر توسعه با مسائل و مشکلات مختلفی مواجه می‌شود که برای برون‌رفت از آن‌ها نیاز به اندیشیدن تمهیدات و راه‌حل‌های مناسب است. در این رابطه برنامه‌ریزی می‌تواند به‌عنوان فن تدبیر مسیر توسعه مورد استفاده قرار گیرد (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۴). توسعه، تحولی بنیادین در تمام ساختارهای یک جامعه بر اساس یک اندیشه اصلی و بنیادین است، حسین عظیمی معتقد است توسعه تحولی همه‌جانبه است (عظیمی به کوشش نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۳). نظام برنامه‌ریزی ایران با سابقه نسبتاً طولانی در تدوین اصول و خط‌مشی برنامه‌های میان‌مدت و درازمدت توسعه دچار ضعف تئوریک است (ایمان، ۱۳۸۷: ۲۲۰). سه علت مبنایی یعنی ضعف شدید سازوکارهای تحقیقاتی جامعه، ضعف شدید سازوکارهای اطلاعاتی جامعه و ضعف شدید سازوکارهای سازمانی می‌تواند هر برنامه را از قدرت و اقتدار علمی ساقط کند (عظیمی، ۱۳۷۸: ۴).

یکی از عوامل مطرح در ناکامی برنامه‌های توسعه، قلمرو، ماهیت و الگوی برنامه‌ریزی در کشور بوده است. مدل برنامه‌ریزی بخشی یا برنامه‌ریزی مبتنی بر جدول داده-ستانده از اصول برنامه‌های توسعه در ایران بوده است. این نوع برنامه‌ریزی در این اندیشه ریشه داشت که طراحی و اجرای چند طراحی عمرانی اساسی در چند بخش استراتژیک اقتصاد، کشور را به توسعه خواهد رساند (مک لئود^۱، ۱۳۷۷: ۸۹). توفیق، ۱۳۷۰: ۲۱-۱۳). این نوع برنامه‌ریزی که کاملاً معطوف به توسعه اقتصادی است، در اثر عوامل دیگر به‌ویژه عوامل سازمانی و محیطی، سبب نوعی شکاف میان بخش‌های اجتماعی می‌شود که در نهایت به نابسامانی و دوگانگی ساختاری در کشور کمک می‌کند. فرض این نوع برنامه‌ریزی، تأکید بر نفس برنامه و اجرای آن به جای تمرکز بر فرآیند برنامه‌ریزی بود. این شیوه عملکرد، به برنامه‌ریزی تنها به‌عنوان عنصر و عاملی برای توسعه توجه می‌کند، بی‌آنکه به نتایج پیامدهای آن به‌ویژه در ارتباط با عوامل ساختی و فرهنگی نظر داشته است. این‌گونه برنامه‌های بخشی، توازن سنتی بخش‌های مختلف جامعه را به هم زد و تعادل و توازن جدیدی مبتنی بر منطق جدید توسعه به‌جای آن ایجاد نشد (طالب و عنبری، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

اکثر برنامه‌های عمرانی که قبل از انقلاب اسلامی در کشور انجام گرفته است، نه تنها موفق به ایجاد تعادل‌های فضایی نشده‌اند، بلکه تشدید نابرابری‌ها و قطبی شدن فرآیند توسعه و عدم تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی را نیز به همراه داشته‌اند. تفوق دیدگاه‌های بخشی، برنامه‌ریزی از بالا و تمرکزگرا (باهدف ریزش اثرات توسعه به پایین)، رجحان رشد بر توزیع عادلانه، اولویت صنعت و پروژه‌های با مقیاس بزرگ و فن‌آوری سرمایه‌بر و محیط‌زیست ستیز و در نهایت راهکارهای نوسازی بدون بهره‌مندی محلی و تشریک مساعی و ارتقای فرهنگی، رویکردهای مسلط این برنامه‌ها محسوب می‌شدند (سرور و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۵).

غلبه نظام برنامه‌ریزی و اجرایی بخشی و دیدگاه رشد اقتصادی در تهیه تمامی برنامه‌های میان‌مدت توسعه کشور طی ۵۰ سال گذشته، مانعی بزرگ برای مشارکت برنامه‌های منطقه‌ای در روند تهیه برنامه‌ها بوده است (مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی، ۱۳۸۱). در این نظام بخشی‌نگر، مناطق (استان‌ها) در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کشور مشارکت جدی و سازمان‌یافته ندارند. به همین دلیل برنامه‌های توسعه فارغ از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مناطق کشور تهیه شده‌اند و بنابراین، برنامه‌های مذکور، نمی‌توانند متضمن توسعه و رشد برای کشور باشند (وزارت کشور، ۱۳۸۰: ۵). بخشی‌نگری با سابقه‌ای بیش از نیم‌قرن، الگوی متمرکز تصمیم‌گیری و تخصیص منابع مالی را (مبتنی بر قدرت چانه‌زنی و اعمال نفوذها)، در مورد هر بخش به‌طور جداگانه نشان می‌دهد. هر یک از نهادهای منطقه‌ای با رابطه‌ای عمودی با وزارتخانه یا سازمان ذیربط در مرکز، تنها در پی پیاده‌سازی اهداف و اولویت‌های برنامه بخشی خود هستند (سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۷). از جمله دلایل بروز بخشی‌نگری طی ۵۰ سال گذشته عدم درک فلسفه برنامه‌ریزی، دولت‌محوری، فقدان بسترهای قانونی جامع، ضعف فرهنگ برنامه‌ریزی در سطوح مدیریتی، وابستگی به درآمدهای نفتی و ساختار تمرکزگرای سیاسی-اداری و در پی آن تمرکز اقتصادی و اجتماعی است.

در بررسی دو مقوله رشد و توسعه نسبت به گذشته رشد پیدا کرده‌ایم اما به واقع، توسعه پیدا نکرده‌ایم. توسعه ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دارد و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. استراتژی‌های توسعه که در کشور وجود داشته در واقع استراتژی‌های غلطی بوده؛ می‌توان در یکی از ابعاد توسعه رشد یافت ولی این به معنای توسعه نیست. لازمه

1. McLeod, Thos. H.

مؤمنی، ۱۳۷۴).

اگر قرار باشد توسعه با نگرش بخشی اتفاق بیافتد، علائم آن بایستی از دهه ۳۰ نمایان می‌شد. هماهنگی بین بخش‌های برنامه وجود ندارد و از مهم‌ترین مشکلات توسعه کشور، حاکمیت نگرش بخشی است؛ این وضعیت از مشکلات بنیادین فرایند کلی برنامه‌ریزی توسعه ملی در طی دهه‌های گذشته بوده است. با توجه به اهداف متصور در برنامه‌های توسعه همچنین حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی نتوانسته‌اند موجب توسعه شوند. لذا فقدان تفکر فرابخشی و برنامه‌های آمایشی و فضایی از موانع عمده تحقق توسعه است. با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی و نوع آن، هدف کلی تحقیق حاضر، یافتن موانع تحقق برنامه‌ریزی فضایی در برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که «موانع تحقق نگرش برنامه‌ریزی فضایی در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کدامند؟»

نظام برنامه‌ریزی در بیشتر کشورها در زمینه تنظیم و اجرای راهبردها و سیاست‌های توسعه به صورت متمرکز است. برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای و محلی از این نظام متمرکز متأثر و طرح‌ها در چارچوب برنامه ملی تهیه می‌شود. تصمیم‌گیری در زمینه سطوح برنامه‌ریزی در هر کشور، عمدتاً با توجه به ساختار اداری موجود صورت می‌گیرد، ولی در طی سال‌های اخیر بحث‌های جدیدی برای تجدید ساختار برنامه‌ریزی در بیشتر کشورها مطرح شده است. اوضاع سیاسی، وسعت و جمعیت یک کشور، ماهیت عمومی نظام برنامه‌ریزی و ملاحظات مشابه دیگر در تعیین این سطوح تأثیرگذارند. الگوی موجود ساختار اداری در بیشتر کشورها (به‌ویژه آسیا و اقیانوسیه) ساختاری سه سطحی شامل سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی را برای برنامه‌ریزی پیشنهاد می‌کنند (فائو^۱، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۵).

سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه (۱۳۸۹) با بررسی و تحلیل موانع کلان برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، به این نتیجه رسیدند که اصلی‌ترین عامل مؤثر بر فرآیند توسعه منطقه‌ای در کشور، نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی متمرکز بوده است. از ویژگی‌های تمرکزگرایی سیاسی_اداری، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های متمرکز است؛ تصمیماتی کشورشمول که مناطق (به عنوان پازل‌های تشکیل‌دهنده این کلیت یعنی

توسعه شکل‌گیری نهادهای مدنی، اقتصادی و سیاسی است(غنی نژاد، ۱۳۸۲: ۲۳۳).

وظیفه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که با همکاری دولت و اندیشمندان تهیه می‌شود، ایجاد فضای علمی و خلاقیت و نوآوری در جامعه است و باقی کار، واقعاً به مشارکت مردم و سرمایه‌گذاران و نیروی انسانی نوآور بستگی خواهد داشت(عظیمی به کوشش نورمحمدی، ۱۳۹۱: ۴۰). تمامی حیطه‌های زندگی انسانی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و منابع در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر مطرح هستند و برنامه‌ریزی با مفهوم کلی آمایش سرزمین همخوانی بسیار یافته است (پیران، ۱۳۶۷: ۴). برنامه‌ریزی در ایران اساساً از فقدان رویکردی سیستمی، پویا و مبتنی بر روش‌شناسی روشن رنج می‌برد که در ارزیابی برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی مشهود است (ایمان، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

مشکل محتوایی مشترک برنامه‌های توسعه در کشور، کم‌توجهی به رشد متوازن منطقه‌ای و آمایش سرزمین است. به عبارت دیگر، به جز انجام برخی فعالیت‌ها برای بیمه محرومان و تأمین تسهیلات برای مناطق کمتر توسعه‌یافته، برنامه‌ها بیشتر بر قطب‌های اقتصادی و سیاسی کشور (با محوریت پایتخت) تمرکز دارند. این مسئله تا حدودی ناشی از ضعف شناخت برنامه‌ریزان از نیازها و پتانسیل‌های مناطق مختلف کشور و تا حدی متأثر از رویکردها و مبانی نظری آنان است (خاندوزی، ۱۳۸۹: ۲۱).

برنامه‌ریزی فضایی و مبتنی بر آمایش سرزمین در برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار نگرفته است. این مسئله پیامدهایی نظیر غفلت از امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها، تنگناها و نیازهای منطقه‌ای محلی در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در ادامه تشدید بی‌عدالتی و عدم توازن توسعه در سطح مناطق را به همراه داشته است (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۱: ۹۰).

این امر، بی‌توجهی و غفلت از امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها، تنگناها و نیازهای منطقه‌ای - محلی در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته است. پیامد مشخص و روشن این وضعیت، توزیع سلیقه‌ای فرصت‌ها، امکانات و منابع در پهنه مناطق و تشدید بی‌عدالتی و عدم توازن توسعه در سطح منطقه‌ای است. همچنین محرومیت‌های ایجاد شده و عملکرد به شدت انفعالی و توزیع پرهزینه و پراکنده منابع در مناطق، مطالبات و فشارهای منطقه‌ای را در پی داشته است، سعیدی (به نقل از

کشور) کمترین سهمی در تنظیم و تدوین برنامه‌های کلان توسعه ندارند. فرآیند برنامه‌ریزی از بالا و نسبتاً مستقل از مناطق، با اتکا به منابع درآمدی برون‌زا، تجدید ناپذیر و پُرنوسان، نشان‌دهنده ضعف‌های عمیقی است که نخست کارایی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در مقیاس ملی و سپس فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای در کشور را تحت تأثیر منفی قرار داده است. علاوه بر تمرکزگرایی، تسلط نظام برنامه‌ریزی و اجرایی بخشی، به عنوان عوامل تبعی نظام متمرکز برنامه‌ریزی از دیگر موانع اصلی در این زمینه است.

پیران (۱۳۶۷) معتقد است که تشدید تمرکز و شهرگرایی، به قطبی شدن فضایی جمعیت و سرزمین می‌انجامد و لذا شهرگرایی پدید می‌آید که همه‌چیز در رأس آن پدید می‌آید. سعیدی (۱۳۹۲) بیان می‌کند که آنچه به این فرآیند دامن می‌زند، رویکرد متعارف تصدی‌گری و نگرش آمرانه و متمرکز از بالا به پایین است که بدون توجه به نقش اساسی مردم ذینفع و مشارکت آنان در تعیین سمت‌وسوی نیازها و برنامه‌های توسعه‌ای، تاکنون نتوانسته است به‌طور دلخواه به اهداف از پیش تعیین‌شده عمران و توسعه روستایی و شهری دست یابد. صمیمی (۱۳۷۸) نیز به این نتیجه رسیده است که اصولاً در فضای تصمیم‌گیری کشور، فرآیند تهیه برنامه می‌بایست مسیری دموکراتیک را طی کند. این امر ارتباط مستقیمی با فعال شدن احزاب و رقابت آن‌ها در عرصه کسب موقعیت‌های اجرایی برای برنامه‌ایشان دارد. در برنامه‌های غیر مشارکتی معمولاً دستاوردهای ناشی از کار منظم برنامه‌ای در مقابل اثرات منفی ناشی از عوامل زیر قرار می‌گیرد: از بین رفتن خلاقیت انسان‌ها؛ ایجاد جو اختناق؛ ایجاد فرهنگ نامناسب؛ بحران‌های اجتماعی و ... (عظیمی به کوشش نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت، احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهد و مانع جدی برای بسط مشارکت سیاسی شهروندان تلقی می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت به همان نسبت که کنترل متمرکز حکومت بر منابع قدرت، به اقتدار سیاسی حکومت می‌افزاید، به همان میزان از امکان رقابت و مشارکت اثربخش و کارآمد شهروندان می‌کاهد. هرچند تمرکز قدرت ممکن است استمرار حکومت را افزایش دهد، قطعاً مانع جدی در جریان مشارکت‌پذیری محلی و اثرگذاری مردم در اداره امور خویش خواهد بود. به دیگر سخن، تمرکز تمام امور عمومی در موجودیتی انحصارطلب به نام دولت، بی‌گمان به استبداد و خودسری در تصمیم‌گیری‌های اداری می‌انجامد (انصاری،

۱۳۷۷: ۱۳۴). پروا (۱۹۵۰) می‌گوید فرآیند توسعه در مسیر خود به قطبی شدن فضا و فعالیت‌ها خواهد انجامید. این بدان معناست که در فرآیند توسعه، وجود مناطق یا بخش‌های جاذب، باعث گرایش به تمرکز فعالیت‌ها در آن مناطق یا بخش‌ها می‌شود و بدین‌سان با مناطق یا بخش‌های قطبی شده روبه‌رو خواهیم شد. یافته‌های تحقیق رضوانی (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که عدم وجود رابطه منطقی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی برنامه‌ریزی و حاکمیت تصمیم‌گیری بالا به پایین در این زمینه، حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی، عدم مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی از مهم‌ترین نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی کشور است.

ادوارد هال^۲ (۱۹۹۶-۱۹۸۸) عواملی مانند برنامه‌ریزی کاملاً متمرکز، محرومیت و فقر، وجود تکنولوژی نامناسب و سیاست‌های کلان اقتصادی حکومت‌ها، بی‌قدرتی و ناتوانی مردم برای مشارکت در فعالیت‌ها را موانعی جهت نیل به توسعه می‌داند. بی‌توجهی به مشارکت فعالان اصلی بخش خصوصی و نهادهای مدنی، عدم وجود مکانیسم درگیرشدن مناطق و استان‌ها در تهیه، تدوین و اجرای برنامه و برنامه‌ریزی، نبود تشکیلات لازم محلی و ابزار مدیریتی صحیح و سازمان‌یافته، درجه بسیار بالایی از تمرکز در نظام برنامه‌ریزی، توجه و تأکید بر ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی بیش از بعد اجتماعی، غلبه کارشناسان اقتصادی با نگاه کمی، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، کم‌توجهی به نقش نهاد دولتی در توسعه منطق، نبود راهبردهای هماهنگ و سازگار بلندمدت، عدم بهره‌برداری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های استان‌های مرزی و پرننگ شدن نقش حاکمیت دولت در مناطق (گولت^۳، ۱۳۶۹؛ مؤمنی، ۱۳۷۴؛ امیراحمدی، ۱۳۷۵؛ بختیاری، ۱۳۸۱؛ سعیدی، ۱۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۶؛ امیدی، ۱۳۹۱؛ صادقی شاهدانی و غفاری فرد، ۱۳۹۱؛ افراخته و دیگران، ۱۳۹۲ و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، ۱۳۹۳) از موانع تحقق توسعه است.

داده‌ها و روش کار

با توجه به سؤال پژوهش، با استفاده از تحلیل محتوا به دنبال کشف شواهد در متون توسعه‌ای کشور هستیم. پارادایم شناخت

1. Francois Perroux

۲. Edward Hal

۳. Goulet

محتوا، روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباطها به شیوه نظام‌دار، عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرهاست». برای تحلیل محتوا مراحل مختلفی طی می‌شود.

از جمله این مراحل، سه مرحله عمده: مرحله قبل از تحلیل (آماده‌سازی و سازمان‌دهی) بررسی مواد (پیام) و پردازش نتایج است (آذر، ۱۳۸۰: ۸).

پس از مشخص شدن معیارها در قالب ۱۵ شاخص (جدول ۱)، اطلاعات بر اساس مدل آنتروپی شانون تجزیه و تحلیل شدند. امروزه فنون بسیاری ارائه شده که اساس آنها درصدگیری از فراوانی مقوله‌هاست که این دسته فنون مشکلات ریاضی خاص خود را دارد. آنتروپی شانون که برگرفته از تئوری سیستم‌ها است؛ پردازش داده‌ها را در مبحث تحلیل محتوا با نگاهی جدید مطرح می‌کند. بر اساس این روش، تحلیل داده‌ها در تحلیل محتوا بسیار قوی‌تر و معتبرتر عمل خواهد کرد (آذر، ۱۳۸۰: ۸).

علمی تجربه‌گرایی _ اثباتی و روش‌شناسی کمی است. چون به دنبال این هستیم که چرا در برنامه‌های توسعه، دیدگاه فضایی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، روش تحقیق توصیفی _ تبیینی است.

جامعه آماری این پژوهش مجموعه برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰-۱۳۹۴ بود. به منظور رسیدن به هدف داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری استفاده و به منظور تدوین معیارها و شاخص‌های پژوهش علاوه بر تحقیقات مختلف پیشین و اسناد معتبر (جدول ۱) از نظر اساتید نیز استفاده شد. برای روش و ابزار تحلیل هم تحلیل محتوای کمی مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های مهم پژوهش است که در سال‌های اخیر، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. فرد، ان کرلینجر^۱ تعریف جامعی از این روش ارائه می‌دهد: «تحلیل

جدول ۱. توزیع فراوانی توجه به معیارهای تحقیق در برنامه پنجم توسعه

معیارها	تمرکزگرایی			ضعف مشارکت					مزیت نسبی			
	عدم مشارکت نخبگان در تدوین برنامه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، محلی	ضعف توجه به نهادهای غیردولتی در توسعه و عمران استان‌ها	تمرکزگرایی در حوزه اداری و اجرایی	ضعف تقویت حضور مردم در عرصه اجتماعی و سیاسی	عدم تقویت حضور مردم در عرصه اقتصادی	عدم توجه به بعد نظارتی	عدم توجه به عملکرد سکونتگاه‌ها	عدم فرصت مساوی دسترسی به اطلاعات	ضعف توجه به اشتغال‌زایی روستایی	ضعف توجه به صنعت روستایی	توجه به مناطق دارای قابلیت توسعه	عدم توجه به سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته روستایی
شاخص‌ها												
اسناد مربوطه												
سیاست‌های کلی	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۲	۱	۱	۱
بخش کشاورزی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۲	۰
بخش مسکن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰
بخش توسعه روستایی	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۴	۰
کل	۲	۱	۲	۱	۲	۰	۲	۲	۴	۳	۸	۱

۱. Kerlinger. Frederick Nichols

نحوه نگارش و فرایند نهایی شدن احکام برنامه، کاملاً غیر مشارکتی و غیر توافقی است. در نتیجه نخبگان، جریان‌های سیاسی و دستگاه‌های اجرایی هیچ اجمالی در خصوص برنامه ندارند. تمرکززدایی، برنامه‌ریزی را قادر می‌سازد که به سطوح منطقه‌ای و محلی تقسیم شود و ابزاری فراهم کند که به‌وسیله آن بتوان فعالیت‌های مختلف توسعه را در سطوح آمایشی گوناگون به‌طور مؤثری با یکدیگر هماهنگ کرد و برنامه ریزان را قادر می‌سازد که با ادراک و حساسیت بیشتر نسبت به نیازها و مشکلات منطقه‌ای، آگاهی بیشتری داشته باشند. به این طریق تنظیم طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها مطابق نیازهای ویژه مناطق صورت می‌گیرد و بنابراین واقعی‌تر و مؤثرتر انجام می‌شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸).

جدول ۲. ارزش شاخص‌های تمرکزگرایی

تمرکزگرایی	تمرکزگرایی در حوزه‌های اداری و اجرایی	ضعف توجه به نهادهای غیردولتی در توسعه و عمران استان‌ها	عدم مشارکت نخبگان در تدوین برنامه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، محلی	ضعف دخالت استان‌ها در اجرای برنامه	عدم دخالت استان‌ها در تدوین برنامه
۱- E	۰/۵۰۱	۰	۰/۵۰۱	۰/۵۰۱	۰
وزن دهی	۰/۵۰۷	۰	۰/۵۰۷	۰/۵۰۷	۰

مشارکت مردم در روند توسعه، نزد صاحب‌نظران چنان جایگاهی دارد که گاه توسعه را معادل مشارکت دانسته‌اند و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند. مشارکت به مثابه واقعیتی اجتماعی و جوهره جوامع انسانی، به لحاظ تاریخی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و علی‌رغم تأکید زیادی که در قانون اساسی و قانون برنامه و بودجه به مشارکت بخش‌ها در تدوین برنامه‌های توسعه وجود دارد، سازوکار قانونی

ابتدا مجموع فراوانی‌ها برحسب هر مؤلفه ذکرشده تهیه شد، سپس داده‌های جدول بر اساس مرحله اول روش آنتروپی شانون به‌صورت داده‌های بهنجار شده درآمد و در ادامه، بر اساس مرحله دوم روش آنتروپی شانون، مقدار بار اطلاعاتی داده‌های جدول به دست آمد و بعد بر اساس مرحله سوم روش آنتروپی شانون ضریب اهمیت اطلاعات نشان داده شد، تا مشخص شود که به‌طورکلی میزان توجه و اهمیت به مؤلفه‌های مورد بررسی چه میزان است.

مرحله اول: ماتریس فراوانی‌های جدول فراوانی بهنجار شده از رابطه زیر:

$$P_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sum_{i=1}^m X_{ij}} \quad j = 1, \dots, n$$

مرحله دوم: محاسبه بار اطلاعاتی هر مقوله و قرار دادن آن در ستون‌های مربوطه از رابطه زیر:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m P_{ij} \times \ln P_{ij}$$

$$i = 1, 2, \dots, m \quad k = \frac{1}{\ln m}$$

مرحله سوم: محاسبه ضریب اهمیت هر یک از مقوله‌ها از رابطه زیر و با استفاده از بار اطلاعاتی آن‌ها (۱، ۲ و ۱-j) به دست آمد. هر مقوله‌ای که بار اطلاعاتی بیشتری داشته باشد، اهمیت (WJ) بیشتری نیز دارد.

شرح و تفسیر نتایج

با کاربرد مدل آنتروپی شانون محتوای برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر برنامه‌ریزی فضایی بر اساس سه مؤلفه تمرکزگرایی، ضعف مشارکت و تأکید بر مزیت نسبی در قالب ۱۵ شاخص (جدول ۱) نتایج (جدول ۲) نشان می‌دهد که میزان بار اطلاعاتی شاخص‌های تمرکززدایی در سند برنامه پنجم پایین است. تصدی‌گری دولت بر تمامی امور به‌طور گسترده در برنامه قابل‌مشاهده است. امر آزادی‌های اقتصادی و تقویت بخش خصوصی را کمتر شاهد هستیم. تلاش‌هایی برای تمرکززدایی انجام می‌شود ولی سیاست‌گذاری مشخصی در این زمینه صورت نمی‌گیرد. تمرکزگرایی در برنامه‌نویسی و عدم مشارکت ذینفعان یکی از ایرادهای فرآیند برنامه‌ریزی است؛ گرچه دولت در ظاهر، نظر دستگاه‌های اجرایی را درباره احکام برنامه اخذ می‌کند، اما

جدول ۴. ارزش شاخص‌های مزیت نسبی

تأکید بر مزیت نسبی	عدم توجه به سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته روستایی	توجه به مناطق دارای قابلیت توسعه	ضعف توجه به استفاده از منابع بومی	ضعف توجه به اشتغال‌زایی روستایی	ضعف توجه به صنعت روستایی
۱- E	۰	۵/۲	۰/۲۰۱	۰/۵۴۱	۰/۲۰۱
وزن دهی	۰	۱/۷	۰/۰۶۶	۰/۱۸۰	۰/۰۶۶

شواهد عینی حاکم از آن است که پیروی از رویکرد قطب رشد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، در اغلب موارد، به توسعه نامتعادل منطقه‌ای منجر شده است. البته باید توجه داشت که این رویکرد، همچون تمام راهبردهای فضایی، هرگز نمی‌تواند مستقل از پویای زیربنایی مناسبات اجتماعی-اقتصادی جوامع مطرح شود. قطب رشد نمونه‌ای آشکار و مستقیم از دخالت دولت در ساختار و پویای جامعه بزرگتری که خود جزئی از آن است، به دست می‌دهد (سعیدی، ۱۳۸۷: ۶۲۷).

جدول (۵) نشان می‌دهد که بیشترین میزان ضریب اهمیت (۰/۹۹۸) به مؤلفه مزیت نسبی اختصاص یافته است و کمترین میزان ضریب اهمیت (۰/۰۰۰۹) به مؤلفه تمرکززدایی و مشارکت تخصیص داده شده است.

جدول ۵. بار اطلاعاتی و ارزش معیارها

تمرکزگرایی	ضعف مشارکت	تأکید بر مزیت نسبی
۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۲/۰۰۵
۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۹	۰/۹۹۸
وزن دهی		

این مطلب حاکی از آن است که اولاً مناطقی که دارای پتانسیل بیشتری برای پیشرفت و توسعه هستند، در اولویت برنامه‌ها بوده و دوماً با توجه به تسلط بخش‌های دولتی بر

جلب این مشارکت مشخص نشده است. طبق نتایج جدول (۳)، میزان بار اطلاعاتی شاخص مشارکت نیز در سند برنامه پنجم پایین است. بی‌توجهی به مشارکت فعالان اصلی بخش خصوصی و نهادهای مدنی، عدم مشارکت آحاد مردم سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی مردم به نهادها و دستگاه‌های دولتی که به نحوی متولی توسعه به شمار می‌آیند، موجب شده است تا همیاری و مشارکت در امور عمرانی و توسعه روزبه‌روز به سمت حداقل ممکن سوق یابند. توجه به مقوله مشارکت و گفتگوی مستمر میان نهادهای دولتی و کارگزاران برنامه، بخش خصوصی، مؤسسات علمی و نهادهای مدنی در فرایند برنامه‌ریزی در سطوح ملی، منطقه‌ای و استانی می‌تواند بسط این منطبق را بیشتر ممکن سازد.

جدول ۳. ارزش شاخص‌های مشارکت

ضعف حضور مردم جامعه	عدم تقویت حضور مردم در عرصه اقتصادی	عدم توجه به مردم در بعد نظارتی	عدم سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته روستایی	عدم فرصت مسأله‌دست‌رسی به اطلاعات	ضعف مشارکت
۰	۰/۵۰۱	۰	۰	۰/۵۰۱	۱- E
۰	۰/۵۰۲	۰	۰	۰/۵۰۲	وزن دهی

توجه به مزیت نسبی و مناطقی دارای قابلیت توسعه بیشتر است و به مناطقی که پتانسیل بالقوه برای توسعه ندارند هیچ توجه و اهمیتی داده نشده است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی برای مناطقی که عملاً نشانه‌های توسعه در آن وجود دارد، انجام گرفته است. دلیل توجه به مزیت نسبی مناطقی توجه به رویکرد قطب رشد در برنامه‌های توسعه است (جدول ۴).

تدوین و اجرای طرح‌ها و برنامه و توجه ویژه به مناطق دارای پتانسیل، مشارکت مردم در حد پایین قرار دارد.

بیشتر سیاست‌های مبتنی بر قطب رشد به دنیای واقعی نگاهی مطلق و بر مبنای سلسله‌مراتب (از بالا به پایین) دارند و بدین ترتیب، چنین فرض می‌کنند که اندازه شهر می‌تواند به‌عنوان ملاکی اساسی برای تشخیص و تعیین شهر اصلی یک منطقه به کار رود.

در ساختار سازمانی موجود سازوکاری برای حضور و مشارکت نهادها وجود ندارد. حاکمیت دیدگاه اقتصادی و کمی رشد اقتصادی بیش از هر چیز دیگر در فرایند توسعه مورد توجه بوده است. در این نگرش مناطق به‌عنوان فضایی اقتصادی و نه سکونت‌گاهی نگریسته می‌شود، که در نتیجه به تشدید تفاوت‌ها منجر می‌شود. حاکمیت دیدگاه فیزیکی و توجه به خدمات‌گیری سکونتگاه‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها جهت ایجاد تأسیسات جدید از فرآیندهای این دیدگاه است.

بحث و نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین مشکلات در سطوح کلان اجرایی کشور، حاکمیت نگرش بخشی است. این وضعیت که از مشکلات بنیادین فرایند کلی برنامه‌ریزی توسعه ملی در طی دهه‌های گذشته بوده است. با توجه به اهداف متصور در برنامه‌های توسعه و اتخاذ رویکردهای متمرکز و از بالا به پایین در امر برنامه‌ریزی و همچنین حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی نتوانسته است موجب توازن فضایی، تعادل فضایی و در نهایت پایداری توسعه شود. ضعف توجه به نگرش برنامه‌ریزی فضایی در اسناد توسعه، مهم‌ترین عامل در آن زمینه است. نتیجه این تحقیق نیز بر این مسئله تأکید دارد. یافته‌های پژوهش این نتیجه را حاصل نموده است که: سه مقوله تمرکزگرایی، ضعف مشارکت و مزیت نسبی، موانع تحقق نگرش برنامه‌ریزی فضایی در سند برنامه توسعه پنجم هستند. در میان این عوامل، تأکید بر مزیت نسبی مهم‌ترین عاملی است که سبب شده تا نگرش فضایی چندان مورد توجه نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور در تدوین برنامه توسعه قرار نگیرد. این نتیجه بر این نکته تأکید دارد که:

۱. مناطقی که دارای پتانسیل برای توسعه هستند در

اولویت برنامه بود؛

۲. با توجه به تسلط بخش‌های دولتی بر تدوین و اجرای

طرح‌ها و برنامه و توجه ویژه به مناطق دارای پتانسیل مشارکت

مردم در حد پایین قرار دارد.

نتیجه این پژوهش، مبتنی بر نتایج پژوهش‌های سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه (۱۳۸۹)، عزیزپور (۱۳۹۴)، سعیدی (۱۳۸۳-۱۳۹۳)، رئیس‌دانا (۱۳۷۹)، عظیمی (۱۳۷۸)، ایمان (۱۳۸۷) و صمیمی (۱۳۷۸) مورد تأیید قرار گرفته است.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود تا سازمان برنامه و بودجه کشور، جهت‌گیری برنامه‌های توسعه و بودجه‌ریزی سالانه را مبتنی بر نگرش فضایی بنیان نهند. البته بایستی در این مسیر توجه به اصلاح قوانین، رویه‌ها و به ویژه تغییر در بینش سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در دستور کار قرار گیرد.

منابع

آذر، عادل (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوی. *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، ۱۱(۳۸)، ۱۸-۱.

افراخته، حسن، حجتی‌پور، محمد، گرزین، مریم و نجاتی، بهناز (۱۳۹۲). جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران (مورد: برنامه‌های پنج‌ساله پس از انقلاب). *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۱(۱)، ۶۲-۴۳.

امیدی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل برنامه‌های عمران توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی. *فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۷(۴)، ۱۱۴-۹۷.

ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰). ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. *مجله سیاسی-اقتصادی*، ۲۵(۲۸۶)، ۲۹۹-۲۸۴.

ایمان، محمدتقی (۱۳۷۸). تنگناهای روش‌شناختی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۴۷(۱۴۸)، ۲۱۲-۱۴۷.

پطروشفسکی، ایلیا پائولوویچ (۱۳۴۹). *تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هیجدهم*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

پیران، پرویز (۱۳۶۷). مفهوم برنامه‌ریزی و ضرورت آن ایران (۱). *مجله سیاسی-اقتصادی*، ۲۴(۳)، ۳۹-۳۶.

پیران، پرویز (۱۳۶۷). مفهوم برنامه‌ریزی و ضرورت آن ایران (۳). *مجله سیاسی-اقتصادی*، ۲۶(۲۶)، ۴۶-۴۴.

پیران، پرویز (۱۳۶۶). برنامه‌ریزی و آینده. *مجله سیاسی-*

- اقتصادی، (۱۲)، ۹-۴.
- توفیق، فیروز (۱۳۷۱). تحلیل داده-ستانده در ایران و کاربردهای آن در سنجش پیش‌بینی و برنامه‌ریزی. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- خاندوزی، احسان (۱۳۸۹). ارزیابی شیوه برنامه‌نویسی توسعه در ایران (۸۸-۱۳۶۸). دو فصلنامه برنامه بودجه، ۱۵ (۱)، ۹۹-۱۲۷.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۴). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۲) بررسی نظام برنامه‌ریزی استانی در ایران با تأکید بر ساختار شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۴). فرا تحلیل مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «درباره برنامه پنجم». دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۳). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۱) فرا تحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران.
- دفتر مطالعات برنامه‌بودجه (۱۳۹۱). مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی برای ایران ارزیابی و مقایسه تطبیقی مستندات برنامه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه. دفتر مطالعات برنامه‌بودجه (۱۳۸۹). ارزیابی کلی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب.
- دفتر مطالعات برنامه‌بودجه (۱۳۸۹). بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه فصل ششم- توسعه منطقه‌ای: توسعه منطقه‌ای، محیط‌زیست، توسعه روستایی.
- دفتر مطالعات برنامه‌بودجه (۱۳۸۹). مروری بر اهداف برنامه چهارم توسعه.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۷۹). توسعه اقتصادی، اجتماعی و افت‌وخیزهای فرهنگی. مجله کلک، (۱۲۱)، ۲۲-۹.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۰). نگرشی بر نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۳ (۴۱)، ۳۸-۲۵.
- سرور، رحیم و اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۶). آمایش سرزمین پیش‌نیاز عدالت اجتماعی. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۴ (۱۴)، ۷۵-۸۸.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۲). پیوستگی توسعه روستایی-شهری در قالب منظومه‌های روستایی. فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، ۲ (۴)، ۲۰-۱۱.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱). پویا ساختاری-کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱ (۱)، ۱۸-۱.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷). قطب رشد. دانشنامه مدیریت شهری-روستایی. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- سعیدی، عباس، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و دارابی، حسن (۱۳۸۵). نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی (نمونه ناحیه کاشان). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۱ (۴)، ۷۱-۵۳.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۳). برخی الزامات دهگردانی. نشریه دهیاری‌ها، ۹ (۹)، ۱۴-۱۰.
- سیف‌الدینی، فرانک و پناهنده‌خواه، موسی (۱۳۸۹). چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۲ (۷۳)، ۸۳-۹.
- صادقی‌شاهدانی، مهدی و غفاری‌فرد، محمد (۱۳۹۱). آسیب-شناسی سیاست‌گذاری در زدودن نابرابری‌های منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه ایران. مجله سیاسی-اقتصادی، ۲۶ (۲۹۰)، ۱۳۷-۱۲۴.
- عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۹۱). اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی و فرهنگ. به کوشش خسرو نورمحمدی. تهران: نشر نی.
- عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۷۸). اقتصاد در برنامه سوم (بخش اول). مجله تدبیر، ۱۰ (۹۳)، ۸-۱۹.
- عظیمی‌آرانی، حسین (۱۳۷۸). اقتصاد در برنامه سوم (بخش دوم). مجله تدبیر، ۱۰ (۹۴)، ۸-۱۹.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶ (۱۹)، ۳۳۳-۲۲۷.
- طالب، مهدی و نجفی‌اصل، زهره (۱۳۸۹). آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱ (۲)، ۴۸-۲۷.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۵). دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۷ (۲۷)، ۲۰۴-۱۸۱.
- فیروزنیا، قدیر و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲). جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران. تهران: موسسه توسعه روستایی ایران.
- مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۸۹.

Edwards, M. (1994). *Rethinking social development: The search for relevance*. In D. Booth (Ed.), *Rethinking Social Development: Theory, Research and Practice*. London: Longman.

Goulet, D. (1989). Participation in Development. *New avenues World Development*, 17, 165-178.

Hall, A. & Midgley, J. (1988). *Development policies: Sociological Perspectives*. New York: Manchester University Press.

مستندات برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۴.

مک‌لئود، تاس‌اچ (۱۳۷۷). *برنامه‌ریزی در ایران بر اساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران*. مترجم علی اعظم محمد بیگی. تهران: نشر نی.

نورمحمدی، خسرو (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی توسعه اقتصاد ایران (ماهیت و روش) از دیدگاه حسین عظیمی*. تهران: نشر نی. developmentazimi.persianblog.ir